

سازمان رهبری شیعه

در

عصر غیبت صغری

● محمد رضا جباری

دوران غیبت صغری با ویژگی‌هایی از ادوار پیشین و پسین خود، باز شناخته می‌شود. از جمله مهم‌ترین وجوه تمایز این دوران با دوره‌های پیشین - یعنی عصر حضور ائمه علیهم‌السلام در رأس جامعه‌ی شیعه - محروم ماندن شیعیان از فیض حضور آشکار امام علیه‌السلام در متن جامعه است.

تا سال ۲۶۰ هـ. ق. شیعیان، به جز در زمان‌هایی که امامان شیعه علیهم‌السلام در زندان به سر می‌بردند یا در خانه‌ی خود زیر نظر بودند، آزادانه با آنان ارتباط داشتند و به طور مستقیم از هدایت و فیض معنوی آنان بهره‌مند می‌گشتند. در این سال با شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام، به ناگاه شیعیان با وضع پیش بینی نشده‌ای روبه‌رو شدند. آنان به یک باره، امام خویش را در پس پرده‌ی غیبت یافتند. به طور طبیعی، نخستین پرسش و چشم‌داشت شیعیان در شرایط جدید، این بود که چگونه می‌توانند با امام خویش، ارتباط برقرار کنند و چاره‌ی مشکل‌های خویش را از او بجویند.

این پرسش بی‌پاسخ نماند و در نخستین فرصت پس از آغاز غیبت صغری، راه

دست یابی به امام علیه السلام و چگونگی ارتباط با او در شرایط پدید آمده، به آگاهی گروهی از شیعیان رسید. یکی از روایت‌های تاریخی بر جا مانده از آن دوره که بر مدعای یاد شده، دلالت دارد، گفته‌ی شیخ صدوق درباره‌ی گروهی از شیعیان قم است. آنان مانند همیشه، برای دیدار با امام عسکری علیه السلام و تقدیم هدیه‌های مالی و وجوه شرعی و نامه‌های حاوی سوالات شیعیان قم، به سامراء رفته بودند. این گروه در سامراء با شهادت امام یازدهم علیه السلام و ادعای دروغین امامت از سوی جعفر بن علی الهادی - برادر امام عسکری علیه السلام - روبه‌رو شدند. چون جعفر - کذاب - نتوانست نشانه‌های لازم برای اثبات امامت خویش را به آنان ارائه دهد، پس از سرگردانی و گذر از مشکلاتی، راه بازگشت در پیش گرفتند. همین که به بیرون شهر سامراء رسیدند، پیک امام دوازدهم (عج) با آنان دیدار کرد. بدین ترتیب، آنان به درک فیض دیدار با آن بزرگوار موفق شدند. آن حضرت در همین دیدار به گروه قمی‌ها فرمود که از آن پس برای دیدار یا انجام امور مربوط به امام علیه السلام، دیگر به سامراء نروند؛ زیرا ایشان برای انجام امور یاد شده، نماینده‌ای در بغداد خواهد گمارد.^۱

گذر زمان نشان داد که نماینده‌ی گمارده شده در بغداد، همان «عثمان بن سعید عمری»؛ نخستین سفیر و نایب ناحیه‌ی مقدّسه در دوران غیبت صغری است که جامعه‌ی شیعه را حتی در دورترین سرزمین‌های شیعه نشین جهان اسلام، رهبری می‌کرد.^۲

«عثمان بن سعید عمری» ادامه دهنده‌ی راهی بود که سال‌ها پیش از دوران غیبت صغری و از سوی امام صادق علیه السلام آغاز شده بود.^۳ «عثمان بن سعید عمری»، در رأس آن قرار داشت، سازمانی پنهانی با هدف‌های مشخص بود که از آن با نام «سازمان یا نهاد وکالت» و یا «نظام الاموال والوکلاء» یاد می‌شود.^۴

هدف اصلی و زمینه‌های پیدایش سازمان وکالت

بی تردید یکی از هدف‌های این سازمان، پدید آوردن مجموعه‌ای از وکیلان با

برنامه‌ای حساب شده بود تا زیر نظر وکیلانی برتر (وکیل ارشد یا سر وکیل)^۵ در گوشه و کنار جهان اسلام، به ویژه در سرزمین‌هایی که شمار شیعیان بیشتر بود، به فعالیت پردازند. این سازمان، نقش شبکه‌ی ارتباطی را بین شیعیان و مرکز استقرار رهبری شیعه ایفا می‌کرد.

پیش زمینه‌های پیدایش و گسترش جریان وکالت پس از امام صادق علیه السلام را می‌توان این‌گونه برشمرد: دوری مناطق شیعه نشین از مرکز استقرار ائمه علیهم السلام، وجود جوّ خفقان، دشوار بودن ارتباط مستقیم امامان علیهم السلام با شیعیان، دسترسی نداشتن شیعیان به امامان به دلیل حبس، شهادت یا غیبت، و بالاخره آماده سازی شیعیان برای پذیرش شرایط ویژه‌ی دوران غیبت.

امامان شیعه علیهم السلام بسیار کوشیده بودند با تبیین جریان صحیح مهدویت، ذهن شیعیان را برای پذیرش اصل غیبت آماده‌تر سازند. با این حال، شیعیان پس از شهادت امام یازدهم علیه السلام، به دلیل غیبت فرزند ایشان و محروم ماندن از درک حضور مستقیم و آشکار امام، سرگردان شدند؛ زیرا آنان نزدیک به دو و نیم قرن از نعمت امام حاضر بهره‌مند بودند، پس به طور طبیعی، آن‌گاه که امام معصوم، در میان شیعه، حضوری آشکار ندارد، باید جانشینی برگزینند و شیعیان را به سوی او رهنمون شود. این جای‌گزین، همان سفیر، نایب یا باب حضرت حجت (عج) در دوران غیبت بود. نشانه‌هایی در دست است که شیعیان هنگام رویارویی با شرایط جدید و پس از ناامیدی از درک حضور امام علیه السلام، در جست‌وجوی باب یا سفیر آن حضرت بوده و گاه برای شناسایی سفیر راستین و واقعی امام عصر علیه السلام، نماینده‌ای را به بغداد یا سامراء گسیل می‌داشتند. البته در همه‌ی این موارد، امداد ناحیه‌ی مقدسه به یاری این نمایندگان آمده و آنان را به سوی مطلوب خویش راهنمایی می‌کرد. برای نمونه، افزون بر جریان یاد شده درباره‌ی گروه قمی‌ها - وفد قمیین - به جریان‌های «حسن بن نصر قمی»،^۶ «محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی»^۷ و «ابوالعباس احمد دینوری»^۸ نیز می‌توان اشاره کرد.

ادعاهای دروغین نیابت

با آغاز دوران غیبت صغری، برخی به دروغ و با انگیزه‌های خیانت کارانه، مدعی نیابت و باییت حضرت حجّت (عج) شدند. از این رو، شیعیانی که در سرزمین‌های دور از بغداد (مرکز استقرار سفیر ناحیه‌ی مقدسه) می‌زیستند، برای شناسایی سفیر راستین از سفیران دروغین، به امداد ناحیه‌ی مقدسه نیازمند بودند.

از جمله کسانی که در دوران غیبت صغری، دعوی دروغین سفارت و باییت را سر دادند به این افراد می‌توان اشاره کرد: اسحاق احمر،^۹ باقطنی،^{۱۰} ابو محمد شریعتی،^{۱۱} محمد بن نصیر نمیری،^{۱۲} احمد بن هلال کرخی عبرتائی،^{۱۳} محمد بن علی بن بلال،^{۱۴} ابوبکر بغدادی،^{۱۵} ابودلف مجنون،^{۱۶} حسین بن منصور حلاج^{۱۷} و ابوجعفر شلمغانی.^{۱۸}

البته امام و سفیران راستین او نیز برای مقابله با این مدعیان دروغین، شیوه‌های مناسبی را در پیش می‌گرفتند. گاه مقایسه‌ی وضعیت ظاهری مدعیان دروغین با سفیر راستین حضرت، سبب می‌شد مردم به ادعای دروغین آنان پی ببرند. برای نمونه، احمد دینوری هنگامی که وارد بغداد شد، با ادعای نیابت از سوی سه تن روبه‌رو گشت. یکی از آنان «ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری» و دو تن دیگر، «اسحاق احمر» و «باقطنی» بودند. او به منزل هر سه تن رفت. ابوجعفر عمری، فردی فروتن بود که منزلی کوچک و سلوکی همانند سلوک ائمه علیهم‌السلام داشت؛ اما، دو تن دیگر دارای خدمت کاران فراوان و خانه‌های گران قیمت بودند. دینوری با دیدن و مقایسه‌ی وضعیت این دو تن با وضعیت سفیر حضرت، در راستین بودن ادعای آن دو، دچار تردید شد و سرانجام با ارشادهای ناحیه‌ی مقدسه، به راستین بودن سخن ابوجعفر عمری، یقین پیدا کرد.^{۱۹}

در مواردی نیز، سفیر ناحیه‌ی مقدسه در محفل مدعی سفارت حاضر می‌شد و به شیوه‌ای، از وی نسبت به دروغ بودن ادعایش اقرار می‌گرفت. برای نمونه، «ابوطاهر محمد بن علی بن بلال» یکی از کسانی بود که به دروغ، ادعای باییت کرد.

روزی ابوجعفر عمری به محفلی که او و شماری از پیروانش در آن حاضر بودند، رفت و خطاب به او گفت: «آیا صاحب الزمان به تو امر نکرد که اموال را به من تحویل دهی؟» و او در حالی که رنگ باخته بود، چاره‌ای جز اقرار ندید! و همین مسأله، سبب بازگشتن برخی از پیروانش از پیروی او گردید.^{۲۰}

یکی دیگر از راه کارهای مقابله‌ی ناحیه‌ی مقدّسه با ادعاهای دروغین نیابت و بایّت در دوران غیبت صغری، اعلام لعن مدّعی دروغین به وسیله‌ی توقیع‌هایی بود که به واسطه‌ی سفیران و نمایان راستین حضرت به دست شیعیان می‌رسید. گاه حضرت به دلیل جایگاه ویژه‌ی فرد مدّعی، ناگزیر می‌شد دو یا سه بار اعلام لعن و افشای ماهیت مدّعی دروغین را تکرار کند؛ در این باره، به «احمد بن هلال کرخی عبرتائی» می‌توان اشاره کرد؛ زیرا وی سابقه‌ی وکالت برای امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام را داشت و فردی صوفی مسلک و به ظاهر دین دار بود، و ۵۴ سفر حجّ انجام داده بود که بیست بار آن را با پای پیاده بوده است!^{۲۱}

نقش ارتباطی محورهای فعالیت نمایان چهارگانه و کارگزاران آنان

شیعیان در دوران غیبت صغری به دلایل گوناگون نزد نمایان یا وکیلان ناحیه‌ی مقدّسه مراجعه می‌کردند. متعارف‌ترین دلیل مراجعه به وکیل در طول دوران فعالیت سازمان وکالت از زمان امام صادق علیه السلام تا پایان دوران غیبت صغری، پرداخت وجوه شرعی و هدیه‌ها و نذرهای مردمی بود. البته کار وکیلان به این مورد، منحصر نمی‌شد. شواهد نشان می‌دهد که آنان «نقش ارتباطی» میان مردم و امام را داشته‌اند. آنان نامه‌ها، پیام‌ها، پرسش‌ها و مشکلات فردی یا عمومی شیعیان را به محضر امامان علیهم السلام می‌رساندند و پس از دریافت پاسخ، آن را به افراد ابلاغ می‌کردند. این نقش ارتباطی در دوران غیبت صغری به دلیل غیبت امام علیه السلام، جایگاه مهم‌تری یافت؛ زیرا سفیر ناحیه‌ی مقدّسه در این دوران، تنها راه ارتباطی شیعیان با وجود شریف حضرت مهدی (عج) بود. البته در موارد نادری، تماس‌ها به وسیله‌ی

پیک‌های ویژه‌ی آن حضرت برقرار شده است که به یک نمونه از آن در ماجرای «وفد قمیین» اشاره کردیم.

توقیع نویسی؛ معمول‌ترین شیوه‌ی ارتباطی رهبری شیعه در دوران غیبت صغری

یکی از معمول‌ترین راه‌های ارتباط با ناحیه‌ی مقدسه در دوران غیبت صغری، «توقیع»‌های صادر شده از سوی ناحیه‌ی مقدسه برای شیعیان بود. «توقیع»، نوشته‌ای بود که در لابه لای سطور یا در ذیل آن‌ها، در پاسخ به پرسش‌ها می‌آمد. گاهی نیز توقیع بی آن‌که پاسخ به پرسش پیشین باشند، از سوی ناحیه‌ی مقدسه صادر می‌شد. البته صدور همین توقیع‌ها نیز در راستای زدودن مشکلی در جامعه‌ی شیعی آن روزگار بوده است. توقیع‌های ناحیه‌ی مقدسه در بیشتر موارد از راه نایبان چهارگانه به دست شیعیان می‌رسید. اما در برخی موارد، بعضی وکیلان برجسته نیز این صلاحیت را یافتند که واسطه‌ی صدور توقیع باشند. از آن جمله به «محمد بن جعفر اسدی رازی»؛ وکیل برجسته‌ی ناحیه‌ی مقدسه در منطقه‌ی ری^{۲۲} و «قاسم بن علاء آذربایجانی»؛ وکیل ناحیه‌ی آذربایجان^{۲۳} می‌توان اشاره کرد.

درون مایه‌ی توقیع، یکی از موارد زیر بود: رفع اختلاف‌ها، تردیدها و شبهه‌های موجود در جامعه‌ی شیعی،^{۲۴} اعلام نصب وکیلان به وکالت،^{۲۵} اعلام عزل وکیلان خیانت پیشه،^{۲۶} اعلام لعن مدعیان دروغین نیابت و بایبیت،^{۲۷} پاسخ به پرسش‌های شرعی،^{۲۸} حل مشکلات خصوصی شیعیان مانند مشکلات خانوادگی،^{۲۹} دستور عمل به وکیلان.^{۳۰}

بی تردید، ساختار وکالت و نیابت در کنار دو نقش یاد شده، نقش ارشاد، هدایت و راهنمایی شیعیان را نیز برعهده داشته است. به عبارت دیگر، وظیفه‌ی اصلی سفیران و وکیلان ناحیه‌ی مقدسه، ارشاد شیعیان به سوی مسیر اصیل امامت و رهایی بخشیدن آنان از سردرگمی در غوغای شیطنت‌های فرمان‌روایان عباسی، ادعاهای مدعیان دروغین نیابت و خیانت برخی یاران پیشین ساختار نیابت بود.

خرق عادت در جریان هدایت

هدایت و ارشاد مردم، همواره به صورت عادی نبوده، بلکه در صورت نیاز، به امر و عنایت ناحیه‌ی مقدسه، برخی خرق عادت‌ها نیز به وسیله‌ی سفیران و نایبان ناحیه‌ی مقدسه انجام گرفته است. ابوجعفر عمری در یک ماجرا، با خرق عادت، از محلّ پارچه‌ی گم شده‌ای به یکی از شیعیان خبر می‌دهد!^{۳۱} هم‌چنین حسین بن روح نوبختی به نامه‌ای نانوشته، که صفحه‌ای سفید بیش نبوده و پرسش تنها در ذهن صاحب نامه بوده است، پاسخ می‌دهد!^{۳۲} علی بن محمد سمّری نیز در بغداد از وفات علی بن بابویه قمی در قم خبر می‌دهد که بعد آشکار می‌شود که ابن بابویه در همان تاریخی که سفیر چهارم خبر داده بود، رحلت کرده است!^{۳۳} ده‌ها نمونه از این گونه خرق عادت‌ها را در لابه لای متن‌های تاریخی می‌توان جست.

نهان‌کاری؛ اصل حاکم بر ساختار رهبری شیعه در دوران غیبت صغری

هم‌چون دوره‌های پیشین، «اصل تقیه و نهان‌کاری» بر ساختار رهبری‌کننده‌ی شیعه در دوران غیبت صغری حاکم بود. از این رو، برخی پژوهش‌گران، نام «سازمان زیرزمینی» یا «التنظیم السّری» را برای این نهاد برگزیده‌اند.^{۳۴} این اصل در دوران غیبت صغری با شدّت هر چه تمام‌تر رعایت می‌شد. به طور کلی، یکی از شرایط گزینش سفیر و باب از سوی ناحیه‌ی مقدسه، داشتن توانایی فراوان بر پرده‌پوشی و نهان‌کاری بود. این نهان‌کاری در برخی بُره‌های زمانی که اختناق، شدیدتر و خطر محسوس‌تر می‌شد، افزایش می‌یافت. برای نمونه، نهان‌کاری سفیر دوّم به گونه‌ای بود که وی برای رساندن مضمون توقیع مبارک ناحیه‌ی مقدسه که دربردارنده‌ی دستورهایی به یکی از دستیاران مشهور سفیر، یعنی «جعفر بن محمد بن متیل قمی» بود، او را به خرابه‌ی عبّاسیه‌ی بغداد برد، آن‌گاه با نشان دادن توقیع مبارک، جعفر را از دستورهای موجود در آن آگاه ساخت، سپس توقیع را پاره پاره کرد تا اثری از آن باقی نماند!^{۳۵}

در همین راستا، شدت نهان‌کاری و تقیّه‌ی سوّمین سفیر حضرت، زبانزد جامعه‌ی شیعه بوده است.^{۳۶} روزی یکی از شیعیان از ابوسهل نوبختی می‌پرسد: چرا ناحیه‌ی مقدسه با وجود جایگاه رفیع علمی و اجتماعی تو، ابن روح را به نیابت برگزیده است؟ او در پاسخ می‌گوید: درجه‌ی راز نگهداری ابن روح چنان بالا است که اگر او، حضرت حجّت (عج) را پنهان کرده باشد، حتی در صورت قطعه قطعه کردن بدنش با قیچی، سخنی نمی‌گوید!^{۳۷}

در پیشبرد کار این سازمان پنهانی، گاه امدادهای معجزه آسای حضرت حجت علیه السلام نیز بسیار گره گشا بوده است. برای نمونه، در دوران سفارت «محمد بن عثمان بن سعید عمری»، حکومت وقت از برخی از فعالیت‌های پنهانی این سازمان آگاه شد، بنابراین، کسانی را به عنوان شیعیانی که قصد پرداخت وجوه شرعی دارند، نزد افرادی فرستاد که در مظان اتهام وکالت قرار داشتند. یکی از وکیلانی که با این جاسوسان روبه‌رو شد، «محمد بن احمد بن جعفر قطّان قمی» بود. البته چون با آغاز این توطئه، ناحیه‌ی مقدسه در توقیعی، همه‌ی وکیلان را تا اطلاع بعدی از دریافت هرگونه وجهی منع کرده بود، وکیل یاد شده نیز منکر وکالت خود شد و هیچ وجهی از آن جاسوس دریافت نکرد! این وضعیت تا رفع کامل خطر برقرار بود.^{۳۸}

نقش امام عصر (عج) در گزینش نایبان و کارگزاران آنان

جریان گزینش نایبان چهارگانه به عنوان هدایت‌گران جامعه‌ی شیعه، و وکیلان سرزمین‌های شیعه نشین، به عنوان کارگزاران ساختار رهبری‌کننده‌ی شیعه در دوران غیبت صغری، به طور مستقیم از سوی ناحیه‌ی مقدسه، صورت می‌گرفت.^{۳۹} پایدار ماندن این سازمان و ادامه‌ی منظم روند امور و حفظ جامعه‌ی شیعه و دستگاه رهبری‌کننده‌ی آن در برابر خطر دشمن، اقتضا می‌کرد که کارگزارانی زُیده و مورد اطمینان برای این کار، برگزیده شوند.

گستره‌ی جغرافیایی نظارت و عملکرد سازمان نیابت

از مطالعه‌ی شواهد موجود برای شناسایی گستره‌ی جغرافیایی نظارت ساختار رهبری‌کننده‌ی شیعه در دوران غیبت صغری درمی‌یابیم که گوشه و کنار سرزمین‌های شیعه‌نشین آن روز به وسیله‌ی این شبکه‌ی پنهانی با مرکز رهبری‌کننده‌ی آن در بغداد و سامراء ارتباط داشته‌اند. بنا بر شواهد موجود، فهرستی از سرزمین‌های زیر پوشش این سازمان، از این قرار است:

(۱) جزیره‌العرب شامل: مدینه، مکه، یمن و بحرین.

(۲) عراق شامل: کوفه، بغداد، سامراء، مدائن، قراء سواد، واسط، بصره، نصیبین

و موصل.

(۳) شمال آفریقا شامل: مصر و مغرب.

(۴) ایران شامل: قم، آوه (آبه)، ری، قزوین، همدان، دینور، قرمیسین، آذربایجان،

اهواز.

(۵) خراسان و ماوراءالنهر شامل: بیهق، نیشابور، مرو، بلخ، کابل، سمرقند، کش،

بخارا و...

آن سان که گذشت، نایبان چهارگانه با همکاری و همراهی شماری دستیار و وکیل، جریان هدایت و رهبری شیعه در دوران حیرت یا غیبت را به پیش می‌بردند. نخستین سفیر ناحیه‌ی مقدسه با هم‌یاری سه وکیل برجسته در بغداد، کار خود را در دوران حساس و سرنوشت‌ساز آغاز غیبت صغری، انجام داده است. نام سه تن دستیار او عبارت است از: «احمدبن اسحاق اشعری قمی»، «حاجزبن یزید و شاء» و «محمدبن احمدبن جعفر قطان قمی». ^{۴۰} البته فرزند وی؛ یعنی «محمدبن عثمان عمری» نیز در کنار پدر به فعالیت مشغول بوده است. با مرگ سفیر اول و جانشینی پسرش، همان دستیاران پیشین در کنار دومین سفیر، به فعالیت خود، ادامه دادند. گویا این دستیاران در دوران بلند مدت نیابت سفیر دوم بدرود حیات گفته‌اند. سفیر دوم نیز برای پیشبرد امور، دستیاران دیگری برای خود برگزید و با کمک آنان، کار

نظارت بر سازمان و ارتباط با وکیلان سرزمین‌های دیگر را اداره می‌کرد. بنا بر تصریح شیخ طوسی، در بغداد ده نفر وکیل زیر نظر سفیر دوّم و برای انجام دستورهای او مشغول به کار بودند.^{۴۱}

«حسین بن روح نوبختی» که پس از درگذشت سفیر دوّم، به فرمان ناحیه‌ی مقدّسه، عهده دار مقام نیابت شد، خود یکی از کارگزاران سفیر دوّم بوده است. در روزهای پایانی زندگی سفیر دوّم، برای این که شیعیان با حسین بن روح بیشتر آشنا شوند، امور نیابت به ویژه دریافت وجوه شرعی، بیشتر به وی سپرده شده بود.^{۴۲} با آغاز نیابت ابن روح، دستیاران سفیر دوّم هم چنان در کنار سفیر سوّم به فعالیت ادامه دادند. یکی از دستیاران برجسته‌ی ابن روح، که حتی در دوران زندانی بودن وی، به عنوان اداره کننده‌ی امور، ایفای نقش می‌کرد، «ابوجعفر محمد بن ابی العزاقر» معروف به «شلمغانی» بود. وی بعدها به دلیل سوء استفاده از منصب و جایگاه خویش و بیان برخی عقیده‌های ناصواب مانند عقیده‌ی «حلول»، از سمت خود عزل شد و به لعن ناحیه‌ی مقدّسه، دچار گشت.^{۴۳}

نام دستیاران سفیر چهارم، به دست ما نرسیده است، ولی می‌توان حدس زد که برخی از دستیاران سوّمین سفیر، پس از درگذشت وی، هم چنان در پست خود به کار مشغول بوده‌اند.

افزون بر کارگزاران و معاونان برجسته‌ی سفیران که معمولاً در بغداد یا شهرهای پیرامون آن زندگی می‌کردند. وکیلان ساکن در دیگر سرزمین‌های شیعه نشین نیز در خدمت نمایان چهارگانه و زیر نظر آنان مشغول فعالیت بوده‌اند. ره‌آورد بررسی مفصّل در منابع رجالی و روایی، یافتن نام چهل تن از این وکیلان بوده است. برخی از آنان عبارتند از: حسن بن نصر قمی، ابوصدام، ابوعلی محمد بن احمد بن حمّاد مروزی محمودی، جعفر بن عبدالغفار، ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی رازی، محمد بن شاذان بن نعیم نیشابوری، قاسم بن علاء آذربایجانی، حسن بن قاسم بن علاء آذربایجانی، علی بن حسین بن علی طبری سمرقندی، ابومحمّد جعفر بن

معروف کشی، بسّامی، عاصمی، ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی، ابوالقاسم حسن بن احمد، ابوجعفر محمد بن احمد زجوزجی، ابوجعفر محمد بن علی اسود، محمد بن عباس قمی، احمد بن متّیل قمی، ابوعبدالله بزوفری، ابو علی محمد بن ابی بکر همام بن سهیل کاتب اسکافی، ابومحمد حسن بن علی جناء نصیبی و...

بدین ترتیب، نایبان چهارگانه با هدایت فعالیت‌های سازمان پر سابقه‌ی وکالت، در دوران غیبت صغری، توانستند راه ارتباطی مطمئن و کارگشایی بین ناحیه‌ی مقدسه و شیعیان سرزمین‌های گوناگون باشند و از آن به بهترین روش برای حفظ سازمان رهبری جهان تشیع در این دوره‌ی حسّاس و سرنوشت ساز، بهره جویند.

بنابراین، شناخت دقیق فعالیت‌های نایبان چهارگانه، گستره‌ی کار آنان و چگونگی رهبری جامعه‌ی شیعه در دوران هفتاد ساله‌ی غیبت صغری، بدون توجه به پیشینه‌ی پیدایش و فعالیت‌های شبکه‌ی ارتباطی وکالت در دوره‌های پیشین، ممکن نخواهد بود. سازمان نیابت، ادامه‌ی فعالیت شمار بسیاری وکیل و سروکیل بود که پس از زمان امام صادق علیه السلام، با دقت و نظم فراوان، گردش امور را در سرزمین‌های شیعه نشین به دست گرفته و خط ارتباطی بین شیعیان و مراکز استقرار ائمه علیهم السلام را در مدینه، بغداد، مرو و سامراء حفظ کرده بودند.

با درگذشت سفیر چهارم و صدور توقیعی از سوی ناحیه‌ی مقدسه خطاب به وی - چند روز پیش از وفاتش - او موظف شد که دیگر برای به دست‌گیری جریان سفارت و نیابت، جانشینی برنگزیند و در همان توقیع، پایان دوران غیبت صغری و آغاز دوران غیبت کبرا (غیبت تامّه) اعلام گردید.

با پایان یافتن دوران غیبت صغری و با درگذشت آخرین رهبر شبکه‌ی وکالت و نیابت (سفیر چهارم)، دوران فعالیت سازمان وکالت پس از دو قرن تلاش به پایان رسید و سازمان فقاهت در طول دوران غیبت کبرا، ادامه دهنده‌ی راه سازمان وکالت تا عصر حاضر گشت.

پس نوشت ها

- ۱۵ - همان، ص ۲۵۶.
- ۱۶ - همان، ص ۲۵۵.
- ۱۷ - همان، صص ۲۴۶ - ۲۴۷.
- ۱۸ - همان، صص ۱۸۷ و ۲۵۱ - ۲۵۲.
- ۱۹ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.
- ۲۰ - الغيبة، ص ۲۴۵.
- ۲۱ - همان، صص ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۸، ۲۴۵؛ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۸۹.
- ۲۲ - رجال شیخ طوسی، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۰ هـ، ص ۴۹۶؛ الغيبة، ص ۲۵۷؛ تنقیح المقال، علامه مامقانی، نجف، مکتبه المرتضویه، ۱۳۵۷ هـ، ج ۲، ص ۹۲، از ابواب فاء.
- ۲۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳.
- ۲۴ - الغيبة، ص ۱۷۸.
- ۲۵ - همان، صص ۱۷۰ و ۱۹۲.
- ۲۶ - همان، صص ۱۷۴ و ۱۸۷؛ رجال کشی، ص ۴۵۰.
- ۲۷ - همان.
- ۲۸ - کمال الدین و تمام النعمة، صص ۳۸۲ و ۴۰۷.
- ۲۹ - الغيبة، صص ۱۸۴، ۱۸۵ و ۱۹۷؛ الارشاد، شیخ مفید، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۰ هـ، ص ۳۳۲.
- ۳۰ - الغيبة، صص ۲۴۱ - ۲۴۲.
- ۳۱ - کمال الدین و تمام النعمة، ص ۵۰۲؛ الغيبة، ص ۱۷۹.
- ۳۲ - الغيبة، ص ۱۹۲.
- ۳۳ - کمال الدین و تمام النعمة، ص ۵۰۳.
- ۳۴ - تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ص ۱۳۴.
- ۳۵ - کمال الدین و تمام النعمة، ص ۵۰۳.
- ۳۶ - الغيبة، ص ۲۳۶.
- ۳۷ - همان، ص ۲۴۰.
- ۳۸ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۰.
- ۳۹ - برای نمونه ر.ک: جریان گزینش محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی به وکالت در الغيبة، ص ۱۷۰؛ جریان گزینش حسن بن قاسم بن علاء آذربایجانی به وکالت در الغيبة، ص ۱۹۱ و الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، تحقیق: مؤسسه الامام المهدي (عج)، قم، هـ، ج ۱، ص ۴۶۷.
- ۴۰ - تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ص ۱۴۹.
- ۴۱ - الغيبة، ص ۲۲۷.
- ۴۲ - همان، صص ۲۲۳ و ۲۲۷.
- ۴۳ - همان، صص ۱۸۳ و ۲۴۸.
- ۱ - کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی بن بابویه قمی، ملقب به شیخ صدوق، به تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه‌ی مدرّسین، ۱۴۱۶ هـ، ص ۴۷۶.
- ۲ - الغيبة، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، ملقب به شیخ طوسی، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۲ هـ، ص ۲۱۶.
- ۳ - همان، ص ۲۱۰.
- ۴ - مکتب در فرآیند تکامل، سید حسین مدرسی طباطبایی، ترجمه: هاشم ایزد پناه، ایالات متحده، نیوجرسی، نشر داروین، ۱۳۷۴ هـ، ص ۱۵؛ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، جاسم حسین، ترجمه: سید محمد تقی آیت اللّهی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۷ هـ، ص ۱۳۴؛
- "Die beiden ersten safire des zwolften imams", in Der Islam, D.r Javad Ali, xxv (1939), p 212.
- ۵ - تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)؛ ص ۱۳۷؛ مکتب در فرآیند تکامل، ص ۲۲؛ رجال نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، قم، داوری، بی تا، ص ۲۴۳؛ رجال کشی، ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی، انتخاب و تلخیص: شیخ طوسی، به تصحیح: حسن مصطفوی، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ هـ، ص ۵۱۳، ح ۹۹۱ - ۹۹۲، و ص ۵۴۹، ح ۱۰۳۸.
- ۶ - الکافی، ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۷ هـ، ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۴.
- ۷ - الغيبة، ص ۱۷۰؛ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۸۷.
- ۸ - بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، تهران، ۱۳۷۶ هـ، ج ۵۱، ص ۳۰۰.
- ۹ - همان.
- ۱۰ - همان.
- ۱۱ - الغيبة، ص ۲۴۴.
- ۱۲ - همان، ص ۲۴۵؛ رجال کشی، ص ۴۳۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷.
- ۱۳ - الغيبة، ص ۲۱۴؛ مکتب در فرآیند تکامل، ص ۹۶.
- ۱۴ - الغيبة، ص ۲۴۵.